

دربارهٔ معنا و اهمیت

برابری



Equality

what it means and why it matters

2025

سرشناسه	پیکتی، توما، ۱۹۷۱ - م. Piketty, Thomas
عنوان و نام پدیدآور	برابری: درباره معنا و اهمیت برابری/ توما پیکتی، مایکل سندل؛ مترجم: وحید موسوی داور.
مشخصات نشر	تهران: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	۱۰۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۹۷-۶
فهرست نویسی	فیبا
موضوع	برابری: Equality طبقات اجتماعی: Social classes منزلت اجتماعی: Social status
شناسه افزوده	سندل، مایکل ج.، ۱۹۵۳ - م. Sandel, Michael J.
شناسه افزوده	موسوی داور، وحید، ۱۳۵۹ -، مترجم
رده بندی کنگره	HM۸۲۱
رده بندی دیویی	۳۰۵/۵
شماره کتابشناسی ملی	۱۰۲۴۴۹۹۵

دربارۂ معنا و اہمیت

برابری

توما پیکتی و مایکل سندل
ترجمہ وحید موسوی داور





درباره معنا و اهمیت برابری

توما پیکتی و مایکل سندل

مترجم: وحید موسوی داور

صفحه‌آرا: احمد علی‌پور

طراح جلد: هادی جلدی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۹۷-۶

موسسه فرهنگی دیدگاه کاوش و سازندگی دُکسا

نشانی: ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

Email: publication@doxa-v.org

تلفن: ۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲

 doxa__vision

www.doxa-v.org

این کتاب متن ویراسته گفت‌وگو بین توما
پیکتی و مایکل سندل است که در ۲۰ مه سال
۲۰۲۴ در مدرسه اقتصاد پاریس برگزار شد.

دکسا باور دارد که کتاب دریچه‌ای است به سوی افقی تازه برای اندیشیدن و زیستن. رسالت ما برگزیدن و فراهم آوردن آثاری است که بتوانند به زندگی امروز جامعه ایران معنا ببفزایند، توان رویارویی با مسائل فردی و اجتماعی را تقویت کنند، و راهی بگشایند به سوی آینده‌ای روشن‌تر و آگاهانه‌تر.

ما با دقت و وسواس علمی، از میان آثار برجسته و پژوهش‌های معتبر جهانی و داخلی، کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنیم که از پشتوانه‌ای استوار در اعتبار دانشگاهی، تجربه اندیشمندان، و ناشران معتبر برخوردار باشند. هدف ما صرفاً افزودن بر قفسه‌های کتابخانه‌ها نیست، بلکه فراهم آوردن منابعی است که دانش و آگاهی را با نیازهای واقعی و مسائل امروز جامعه ایران پیوند زنند.

چه در عرصه ترجمه و چه در حوزه تألیف، اهتمام ما آن است که دستاورد پژوهشگران و نویسندگان برجسته به زبان فارسی در دسترس قرار گیرند؛ آثاری که، علاوه بر انتقال دانش، پاسخی درخور به پرسش‌های انسان معاصر بدهند و زمینه‌ساز پرورش نگاهی ژرف‌تر به جهان باشند.

مخاطبان ما دایره وسیعی از افرادی هستند که به بالندگی این سرزمین می‌اندیشند، افرادی که به نقد و تحلیل، و فهم مسائل نظری علاقه‌مندند و دغدغه کم‌رنگ کردن مشکلات عملی را دارند؛ آنان که در اندیشه و عمل پویا هستند و همواره در پی نگرستن به خود و جامعه از منظرهای متعدّدند. امید داریم هر کتاب دکسا پلی باشد میان اندیشه و عمل، میان خرد و زندگی؛ تلاشی کوچک اما استوار برای ساختن جامعه‌ای آگاه‌تر، توانمندتر، و دارای پیوندی قوی‌تر با میراث فکری و فرهنگی ایران و جهان.

هیئت تحریریه دکسا

تورج الهوردی - افشین سپهوندی

فهرست مطالب

یکم: چرا باید نگران نابرابری باشیم؟.....	۱۱
دوم: آیا اهمیت پول باید کم‌تر باشد؟.....	۱۷
سوم: محدودیت‌های اخلاقی بازارها.....	۲۵
چهارم: جهانی‌سازی و پوپولیسم.....	۳۵
پنجم: شایسته‌سالاری.....	۴۷
ششم: آیا قرعه‌کشی‌ها باید در پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها و	
انتخابات‌های پارلمانی نقش داشته باشند؟.....	۵۵
هفتم: مالیات، هم‌بستگی، و جامعه.....	۶۷
هشتم: مرزها، مهاجرت، و تغییرات اقلیمی.....	۷۵
نهم: آیندهٔ چپ‌گرایی: اقتصاد و هویت.....	۹۱

یکم: چرا باید نگران نابرابری باشیم؟

– سندل:

توما، از شما به خاطر میزبانی از ما در مدرسه اقتصاد پاریس^۱ و این گفت‌وگو دربارهٔ برابری متشکرم. یکی از راه‌های بررسی معنای برابری این است که ابتدا پرسیم چرا نابرابری اهمیت دارد. اکنون، تحقیقات شما به وضوح برای همه ما آشکار کرده است که نابرابری‌های درآمد و ثروت چه قدر شدید هستند. بیاید با این نابرابری‌ها شروع کنیم. شما نشان داده‌اید که در اروپا ده درصد ثروتمندترین افراد بیش از یک سوم درآمدها را به خود اختصاص می‌دهند و بیش از نیمی از دارایی‌ها را در اختیار دارند. همچنین در ایالات متحده، نابرابری‌ها حتی شدیدتر از این است. بسیاری از ما این موضوع را نگران‌کننده می‌دانیم، اما چرا باید این را مشکلی جدی بدانیم؟

– پیکتی:

بسیار خوش‌حالم که فرصت این بحث را پیدا کرده‌ایم. ابتدا باید تأکید کنم که من نسبت به برابری و نابرابری خوش‌بین هستم. من این نکته را در جدیدترین کتابم، تاریخ مختصر برابری،^۲ مطرح کرده‌ام، جایی که در آن می‌گویم، حتی اگرچه امروزه نابرابری زیادی در اروپا،

1. Paris School of Economics
2. *A Brief History of Equality*

ایالات متحده، هند، برزیل، و در تمام دنیا وجود دارد، در طول زمان حرکت محسوسی به سمت برابریِ بیش‌تر وجود داشته است. این حرکت از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ از این طریق می‌توان به پرسش شما نیز پاسخ داد. این حرکت از بسیج اجتماعی و مطالبهٔ سیاسی قوی و وسیعی برای برابریِ حقوق افراد سرچشمه می‌گیرد، به‌ویژه حق افراد برای دسترسی به آن چیزهایی که موهبت‌های اساسی تلقی می‌شوند- مانند آموزش، بهداشت، حق رأی- و به طور کلی مشارکت هر چه بیش‌تر در اشکال مختلف زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مدنی، و سیاسی. تو در کتاب خودت بر نقش خودگردانی^۱ و مشارکت تأکید می‌کنی. به‌علاوه، من فکر می‌کنم که این اشتیاق برای مشارکت دموکراتیک و خودگردانی نیز همان چیزی است که این حرکت را به سمت برابریِ بیش‌تر در درازمدت سوق داده است.

البته، این حرکت از ابتدای تاریخ وجود نداشته است، و قطعاً نه از دوران ماقبل تاریخ. این حرکت به طور خاص در پایان قرن هجدهم با انقلاب فرانسه، لغو امتیازات اشراف، و تاحدی با انقلاب امریکا آغاز می‌شود، و طی قرن نوزدهم با لغو برده‌داری، ظهور جنبش‌های کارگری، حق رأی همگانی مردان، و سپس پیدایش حق رأی همگانی زنان ادامه می‌یابد. این حرکت در قرن بیستم با گسترش تأمین اجتماعی، مالیات تصاعدی، و استعمارزدایی ادامه پیدا می‌کند و حتی در دهه‌های اخیر نیز تداوم داشته است. ما گاهی اوقات از دوران نئولیبرال، که از دههٔ ۱۹۸۰ آغاز شد، به عنوان دوران افزایش نابرابری صحبت می‌کنیم. این البته تاحدی درست است. اما در برخی از ابعاد نابرابری- مانند نابرابری جنسیتی، نابرابری نژادی، و تا حدودی نابرابری شمال و جنوب- حرکت درازمدت به سمت برابریِ بیش‌تر ادامه یافته است. این حرکت، به نظر من، در آینده نیز ادامه خواهد یافت. چرا؟ زیرا همراه با ظهور مدرنیته، ما شاهد ظهور آگاهی دموکراتیک، اشتیاق برای دسترسی برابر به موهبت‌های اساسی، مشارکت در

1. self-government

یکم: چرا باید نگران نابرابری باشیم؟ ۱۳۱

همه اشکال حیات، و کرامت در همه انواع آن هستیم. این واقعاً همان نیروی محرک است، از جمله برای ابعاد پولی نابرابری. برای پاسخ به پرسش خاصی که درباره نابرابری درآمد و ثروت پرسیدید، اعدادی که راجع به سطوح بالای نابرابری در دنیای امروز ذکر کردید درست است، اما ۱۰۰ سال پیش وضع حتی بدتر از این بود. دویست سال پیش هم بسیار بدتر. بنابراین، در درازمدت پیشرفت حاصل شده است. اما این پیشرفت اصلاً آسان نبوده و همواره مستلزم نبردهای سیاسی عظیم و بسیج اجتماعی بوده است. این روند به همین شکل ادامه خواهد داشت. خبر خوب این است که اینها نبردهایی هستند که می‌توان در آنها پیروز شد، و قبلاً نیز در این نبردها پیروز شده‌ایم. مطالعه این نبردها شاید یکی از بهترین راه‌هایی است که از طریق آنها می‌توانیم خودمان را برای مراحل بعدی آماده کنیم.

- سندل:

تا جایی که من فهمیدم، شما سه دلیل برای اهمیت مشکل نابرابری ذکر کردید. یکی مربوط به دسترسی همه به موهبت‌های اساسی است. دومی با برابری سیاسی - حق رأی، قدرت، مشارکت - ارتباط دارد، و سپس به طور خلاصه به سومی اشاره کردید: کرامت. می‌خواهم بینم آیا می‌توانیم این سه دلیل را که به اهمیت برابری و نابرابری اشاره دارند از هم جدا کنیم یا نه. بیایید فرض کنیم که، به طور نظری، ما همان نابرابری‌های درآمد و ثروتی را که امروز داریم داشتیم، اما به نحوی می‌توانستیم فرایند سیاسی را از آن نابرابری‌های اقتصادی جدا نگه داریم. بنابراین، بیایید تصور کنیم که می‌توانستیم هزینه فعالیت‌های انتخاباتی را با کمک‌های دولتی تأمین کنیم بدون این که نیازی به کمک‌های مالی خصوصی باشد. فرض کنید بتوانیم لابی‌گری‌ها را طوری قانونمند کنیم که شرکت‌های قدرتمند و افراد ثروتمند نتوانند بر سیاست‌ها تأثیر زیادی داشته باشند. فرض کنید به نحوی بتوانیم

حق رأی و مشارکت سیاسی را از تأثیرات نابرابری‌های درآمد و ثروت دور نگه داریم. همچنین، فرض کنید که بتوانیم دسترسی به موهبت‌های انسانیِ اساسی - بهداشت، آموزش، مسکن، غذا، حمل‌ونقل - را از طریق برنامه‌های سخاوتمندانه دولت رفاه تسهیل کنیم. بنابراین، ما داریم تصور می‌کنیم که می‌توانیم به دغدغه اول، دسترسی به موهبت‌های اساسی، و دغدغه دوم، دسترسی به حق رأی و مشارکت سیاسی، رسیدگی کنیم، اما نابرابری‌های درآمد و ثروت را همچنان دست‌نخورده باقی بگذاریم. آیا باز هم مشکلی وجود خواهد داشت؟

- پیکتی:

من فکر می‌کنم باز هم مشکل خواهیم داشت، به‌ویژه برای کرامت ذاتی و در روابط انسانی و روابط قدرت که با نابرابری همراه‌اند. فاصله پولی چیزی بیش از صرفاً فاصله پولی است و فاصله اجتماعی را در پی دارد. نفوذ شرکت‌ها در سیاست و رسانه‌ها قطعاً یکی از مشهودترین تأثیرات پول بر حوزه عمومی است. اما تصورش بسیار سخت است که چگونه می‌توانستیم این مشکل را با آن نوع دامنه درآمد و ثروتی که امروز داریم حل کنیم. اما حتی اگر می‌توانستیم، و اگر آزمایش فکری شما را جدی بگیریم، همچنان نابرابری عظیمی در قدرت خرید نسبت به زمان دیگران خواهیم داشت. بنابراین، اگر من با صرف معادل یک ساعت از درآمدم بتوانم کل کار یک سال شما را بخرم، این به معنای نوعی فاصله اجتماعی در روابط انسانی است که نگرانی‌ها و تردیدهایی بسیار جدی ایجاد می‌کند. بنابراین، نابرابری‌های پولی ممکن است خطری بزرگ برای پیش‌برد آرمان‌های ما در زمینه دموکراسی و خودگردانی باشد، و این نه تنها شامل سازمان‌دهی رسمی فعالیت‌های سیاسی و دسترسی رسمی به اخبار، بلکه همچنین شامل همه روابط غیررسمی‌تر - روابط اجتماعی که در آن مردم با هم تعامل دارند و با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند - در جوامع محلی ماست.

یکم: چرا باید نگران نابرابری باشیم؟ ۱۵۱

در نهایت، از نظر من، مهم‌ترین استدلال سیاسی و فلسفی عملاً استدلالی تاریخی است، یعنی این که ما از نظر تاریخی توانسته‌ایم به همه این نگرانی‌ها با هم رسیدگی کنیم. ما توانسته‌ایم نابرابری را تا حد زیادی کاهش دهیم؛ نه فقط دسترسی به موهبت‌های اساسی و مشارکت، بلکه همچنین نابرابری پولی در درآمد و ثروت. اگر به امروز نگاه کنید، حتی با وجود افزایش نابرابری در دهه‌های اخیر، شکاف درآمدی در اروپا بین ۱۰ درصد بالا یا ۱ درصد بالا و ۵۰ درصد پایین یا ۱۰ درصد پایین بسیار کم‌تر از ۱۰۰ سال پیش است. این موضوع در ایالات متحده کم‌تر صدق می‌کند، اما حتی در این کشور نیز در مقایسه با ۱۰۰ سال پیش وضعیت بسیار بهتر است.

بنابراین، ما در درازمدت به سمت برابری بیش‌تر حرکت کرده‌ایم، و این نه‌تنها به ضرر رونق اقتصادی یا هر هدف معقول دیگری که شاید بخواهیم با برابری معادل بدانیم نبوده، بلکه این در واقع جزئی کلیدی از رونق اقتصادی در دوران مدرن بوده است. چرا؟ زیرا در پس افزایش عظیم رونق اقتصادی که در طول تاریخ شاهد آن بوده‌ایم، ظهور نظام اجتماعی و اقتصادی فراگیرتر و برابری‌خواهانه- به‌ویژه با دسترسی گسترده‌تر به آموزش- کاملاً ضروری بوده است.

در این‌جا دو محدودیت وجود دارد. یکی این که وقتی درباره دسترسی به موهبت‌های اساسی صحبت می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که موهبت‌هایی که ۱۰۰ سال پیش آن‌ها را اساسی می‌دانستیم ممکن است امروزه چنین نباشند. بنابراین، امروز یکی از مسائل مهم ما این است که چگونه می‌توانیم نظام آموزشی عادلانه، ازجمله در سطح آموزش عالی، داشته باشیم. این موضوعی است که تو درباره آن زیاد نوشته‌ای و بعداً درباره‌اش صحبت خواهیم کرد. فعلاً فقط این را بگویم که به نظر من این واقعیت که ما تاحدی از هدف بلندپروازانه و برابری‌خواهانه برای آموزش